

جایگاه توالد و تناسل در حقوق و اخلاق اسلامی

سید ابوالقاسم تقیبی^۱

سید محمدعلی صدر طباطبایی^۲

چکیده

نکاح، از سنت‌های مهم اجتماعی در تمدن انسانی است که بقاع نوع انسانی و استمرار نسل آدمی به واسطه آن تحقق می‌گردد. از این رو در آموزه‌های اخلاقی و حقوقی اسلامی توالد و تناسل از مقاصد و اهداف نکاح به شمار آمده است به نحوی که اطلاق عقد نکاح، اقتضای توالد و تناسل را دارد. لیکن امروزه روش‌های نوین ضد باوری که لازمه آن عدم فرزندآوری است، به صورت گسترده رواج یافته و موجب تغییر در شیوه زندگی انسان شده است. سبک زندگی نبی اکرم و ائمه علیهم‌السلام در توالد و تناسل الگویی مناسب برای نکاح دائم و تشکیل خانواده به شمار می‌آید تا شهروندان جامعه اسلامی با تأسی از سیره عملی معصوم نسبت مسؤلیت خود در بقا نوع مبادرت نمایند و خانواده‌ای سرشار از طراوت، نشاط و پویایی را تحقق بخشند و با تولید و پرورش فرزندی صالح به دارایی زندگی دنیوی خویش بیافزایند و پشتوانه‌ای برای باروری حیات اخروی تمهید نمایند.

واژگان کلیدی

توالد، تناسل، مقاصد شریعت، باروری، مقتضای اطلاق عقد، اخلاق اسلامی

۱. دانشیار دانشگاه شهید مطهری، تهران، ایران. (نویسنده مسؤل)

Email: naghibi_sa@yahoo.com

۲. دانشجوی دوره کارشناسی ارشد فقه و حقوق خصوصی دانشگاه شهید مطهری، تهران، ایران.

نوع مقاله: مروری تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۴/۳/۲۷ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۴/۵/۱۳

مقدمه

تشکیل خانواده و ادامه نسل همواره از مباحث با اهمیت بوده که هم ریشه در فطرت انسان دارد و هم مورد تأکید ادیان مختلف از جمله اسلام بوده است. خانواده از منظر قرآن، مرکز رحمت و سلامت و آرامش است، به شرط آنکه ارزش‌ها اخلاقی، دینی لحاظ گردیده و آن الگوی زندگی که خالق و آفریننده عالم آن را بر اساس فطرت و نیازهای انسان ترسیم و ارائه کرده است، تجلی یابد. اسلام وجود فرزند را برای زندگی آدمی پدیده‌ای مبارک، مایه برکت و سعادت تلقی می‌کند، آن گونه که ائمه علیهم‌السلام فرزند را رحمت آفرین و سبب مغفرت والدین می‌دانند. (علی به حسین (ع)، ۱۳۹۱ ش، ص ۱۴۵) گرمای محبت و عاطفه‌ای که طفل به خانواده می‌بخشد و فضای خانواده را سرشار از امید و نشاط می‌کند، سبب محکم کردن پیوند بین زن و مرد و استمرار عشق میان آن دو است.

در آموزه‌های اسلامی سفارش‌های مؤکدی به داشتن فرزند و تکثیر اولاد شده است و توالد و داشتن فرزند را یک نوع کمال و مزیت برای انسان، به حساب می‌آورد و از آن به عنوان پشتوانه خانواده، مایه انس و دلگرمی و... تعبیر می‌کند، لیکن در جوامع امروزی به دلیل تغییرات عمیق فرهنگی و تغییر در شیوه زندگی تمایل به داشتن فرزند نسبت به گذشته کاهش پیدا کرده است و شاهد آن وجود فزاینده خانواده‌های تک‌فرزند و بدون فرزند است. همچنین شرایط زندگی در عصر حاضر به ویژه در جوامع صنعتی موجب شده علی‌رغم اهمیت فرزندآوری، اشخاص به منظور جلوگیری از داشتن فرزند روش‌های مختلفی را مورد استفاده قرار بدهند که در برخی از موارد سبب عقیم‌شدن یا نقص و فساد عضو می‌شود و ناسازگاری‌های نوینی را در قلمرو زیست خانوادگی عیان می‌سازند که خانواده و جامعه را به چالش می‌کشد. از این رو سیره و منش رفتاری زندگی خانوادگی، ائمه علیهم‌السلام

که مبنای نوع معاشرت و زیست خانوادگی مسلمانان است و ریشه در جهان‌بینی توحیدی دارد، کمک فراوانی به رفع چالش‌های فراروی بشر امروزی می‌باشد.

الف - فرزندآوری در تعالیم قرآنی

باروری هدیه‌ای برای بندگان شایسته و فرزند موهبتی از جانب خداوند است. در قرآن کریم زاد و ولد پاداشی از سوی خدا نسبت به بندگان مؤمن و پرهیزگار مانند مریم و زکریا معرفی شده است. در آیه ۳۸ آل عمران می‌فرماید: «پروردگارا! از طرف خود، فرزند پاکیزه‌ای (نیز) به من عطا فرما که تو دعا را می‌شنوی^۱»، چراکه نداشتن فرزند را موجب از بین رفتن رسالت خود به حساب می‌آورد، پس از درگاه الهی درخواست وارثی می‌نماید تا ادامه‌دهنده رسالتش باشد و با پروردگار خویش این‌گونه نیایش می‌کند: «خداوندا! مرا تنها نگذار (به من فرزندی بخشش) که تو از بهترین وارثانی» (انبیاء: ۸۹) و همچنین حضرت ابراهیم (ع) به پاس این هدیه الهی می‌فرماید: «خداوند را سپاس که اسماعیل و اسحاق را در پیری، به من بخشید.» (ابراهیم: ۳۹) این آیات بیانگر عظمت و فضیلت وجود فرزندان صالح در زندگی انسان است و نشان‌دهنده این می‌باشد که درخواست فرزند و نسل پاک، سنت و روش انبیاست.

بنابراین در آموزه‌های قرآنی، بقای نسل و افزایش نفوس انسانی از والاترین اهداف ازدواج است^۲، این هدف، مبتنی بر خلقت و نظام آفرینش انسانی است. قرآن کریم در آیه ۲۲۳ سوره بقره می‌فرماید: «همسران شما همچون کشتزارهای شما هستند، پس در آن‌ها بکارید هرچه را که می‌خواهید.»^۳ این آیه در مقام بیان مسأله زناشویی و تولید نسل برای بقای نوع انسان، مرد را مانند کشاورز بذرافشان و زن را چون کشتزاری می‌داند که نطفه مرد در رحم او رشد می‌کند و زن با

تولید فرزند، مایه بقای نسل آدمی می شود. برای تأکید بر تولید مثل و حفظ نسل که هدف اصیل عمل زناشویی می باشد، واژه «حرث» در آیه تکرار شده است. بنابراین هدف از آمیزش جنسی، تنها لذایذ جنسی نیست، بلکه لذت جنسی مُزدی نقد برای تحمل زحمات طاقت فرسای تولید فرزند و پرورش اوست. خداوند برای ترغیب به هدفمند کردن آمیزش جنسی می فرماید که از رهگذر مباشرت با زنانان فرزندان شایسته‌ای برای آخرت خود بفرستید. (جوادی آملی، ۱۳۸۶ ش، ص ۱۸۶)

مصلحت حفظ نسل و جلوگیری از آشفتگی و فروپاشی روابط خویشاوندی، چنان اهمیتی دارد که برای حمایت از آن، تمام روابط جنسی که به آن آسیب وارد می کند، حرام شمرده شده است، (نظری توکلی، ۱۳۸۶ ش، ص ۱۸۶) لذا قرآن کریم عمل شنیع قوم لوط را که در جهت خلاف حفظ نسل است، مفسده و قوم لوط را مفسد معرفی می کند: «قال رب انصرني علي القوم المفسدين.»^۴ (عنکبوت: ۳۰)

یکی از حیل‌های شیطانی که سبب شده افراد تمایلی به فرزندآوری نداشته باشند ترس از عدم توانایی مالی است، قرآن بارها متذکر شده است که ارتقای مادی و معنوی خانواده با آمدن فرزند تأمین می شود و خداوند به آن‌ها وعده یاری داده^۵ و اوست که بندگان را برکت خواهد داد. قرآن کریم در آیه ۳۱ سوره اسرا می فرماید: «از ترس روزی، اولاد خود را نکشید، ما آن‌ها را و شما را روزی می دهیم، اگر آنان را بکشید خطای بزرگی مرتکب شده‌اید.» در واقع آن‌ها با کشتن فرزندان خود رزق و روزی را که همراه با نوزاد تازه متولد شده از جانب خدا ارسال شده بود، رد کرده‌اند. اعتقاد به روزی‌رسانی خداوند متعال، جزء مسلمات تعالیم قرآنی است، لذا جلوگیری از باروری به خاطر ترس از فقر با تعلیمات اجتماعی و خانوادگی اسلام مغایرت دارد و هر کس که به این عمل مبادرت ورزد به روزی‌رسان بودن خداوند سوء ظن دارد که گناهی بزرگی است.

ب - فرزندآوری در آموزه‌های ائمه علیهم‌السلام

بقای نوع انسانی و مصلحت حفظ آن یکی از مقاصد مهمی است که در حقوق خانواده اسلامی مطرح بوده است. از این رو در دریای بیکرانه تعالیم ائمه علیه‌السلام به عنوان قرآن ناطق، برای نیل به حیات طیبه و رسیدن به سعادت و سلامت دنیا و آخرت به فرزندآوری توصیه‌های زیادی شده و یکی از معیارهای مهم در انتخاب همسر را توان زاییدن فرزند بیان نموده و فرزندآوردن از مهم‌ترین آثار و انگیزه‌های ازدواج معرفی شده است که بیانگر مطلوبیت کثرت اولاد می‌باشد. پیامبر اکرم (ص) در این رابطه می‌فرمایند: «ازدواج کنید تا نسلتان افزایش یابد، چراکه من به شما امت، حتی سقط‌شده‌های شما در روز رستاخیز مباحثات می‌کنم.»^۷ (حر عاملی، ۱۴۰۹ ق، ج ۲۱، ص ۳۵۸) در حدیثی دیگر از پیامبر (ص) آمده است: «چه چیزی انسان مؤمن را از این بازمی‌دارد که همسری برگیرد، تا شاید خداوند فرزندی برای او روزی کند که زمین را با لا اله الا الله سنگین کند.» (حر عاملی، ۱۴۰۹ ق، ج ۲۰، ص ۱۴)

البته تأکید روایات به شرط تربیت صالح است و آن چیزی که اهمیت دارد، تربیت صحیح و دینی است در واقع در نگاه اسلام تولید نسل در کنار تربیت دینی است. اسلام نقش پدر و مادر را در تربیت فرزند بسیار مؤثر می‌داند. تربیت فرزند، یکی از نکاتی است که برای انتخاب همسر جزء اهم مسائل برشمرده شده است، تا آنجا که به تعبیری باید به همسر، به عنوان تربیت‌کننده فرزندان صالح نگریست. پیامبر اکرم (ص) فرمودند: جایگاه مناسبی برای نطفه (کودک) خود برگزینید، زیرا ریشه‌ها سرایت کننده‌اند. (پابنده، بی‌تا، ص ۲۲۷) همچنین ایشان ازدواج با زن زیبایی که در محیط خانوادگی پست و آلوده پرورش یافته است را منع نموده‌اند (حر عاملی، ۱۴۰۹ ق، ج ۱۴، ص ۲۹؛ مجلسی، بی‌تا، ص ۲۳۶) و نیز آن

حضرت مرد شرابخور را شایسته ازدواج نمی‌دانند (حر عاملی، ۱۴۰۹ ق، ج ۲۰، ص ۷۹) این روایات اهمیت فرزندآوری و تولید مثل و توسعه نسل پاکیزه را حکایت می‌نماید و فرزندآوری را از اغراض اصلی عقد نکاح بیان می‌کند. بنابراین پیشگیری از بارداری منافی با اصول اولیه اسلام است و توالد و تناسل و تکثیر نسل، اصلی اسلامی و غیر قابل تخطی است. (ایازی، ۱۳۷۶ ش، ص ۳۵)

ج - اقتضای عقد نکاح

مقتضای عقد به دو دسته تقسیم می‌شود: ۱- مقتضای ذات عقد؛ ۲- مقتضای اطلاق عقد.^۸

مقتضای ذات عقد یا ذات بدون لحاظ امر خارجی (ماهیت مهمله) عبارتست از هر چیزی که وجود و صحت عقد متوقف به آن است به طوری که با انتقای آن، ماهیت عقد نیز منتفی می‌شود. (نائینی، ۱۴۱۹ ق، ص ۲۰۹) مقتضای ذات موضوع اصلی هر عقد است که عقد به سبب آن واقع شده و چنان به عقد مزبور وابسته است که با انتقای آن، ماهیت عقد نیز منتفی می‌شود و در دید عرف و شرع موضوعی برای آن باقی نمی‌ماند. به تعبیر دیگر، جوهره اصلی عقد است و بدون آن، ماهیت عقد نیز محقق نمی‌شود. (نراقی، ۱۴۱۷ ق، ص ۱۵۲) مشهور بین فقها این است که عدم باروری، خلاف مقتضای ذات عقد نمی‌باشد. (شهید ثانی، ۱۴۱۳ ق، ص ۲۸۱) یکی از دلایلی که برای اثبات این امر ذکر می‌شود این است که از شرایط مقتضای ذات این است که آن اثر در همه نوع آن عمومیت داشته باشد، در حالی که ازدواج با کسانی که قادر به فرزندآوری نمی‌باشند، صحیح است، لذا اگر باروری جزء مقتضای ذات نکاح بود، نکاح با این افراد باطل بود. در نتیجه اشتراط عدم فرزندآوری در ضمن عقد نکاح یا تبانی عقد براساس آن باطل و مبطل

نمی‌باشد. بنابراین اگر ما باروری را جزء آثار نکاح تلقی کنیم، با توجه به این که قطعاً از مقتضای ذات نکاح محسوب نمی‌شود، جزء مقتضای اطلاق نکاح می‌باشد، یعنی در صورت مطلق بودن عقد، به منزله تصریح آن از سوی متعاقدين و شرط هر چیزی که مخالف با آن باشد، صحیح و پایبندی به آن واجب خواهد بود، زیرا مقتضای اطلاق هر عقدی قابلیت تغییر از طریق قید و شرط در ضمن عقد را دارد، (نائینی، ۱۴۱۹ ق، ص ۲۵۲) چراکه مقتضای اطلاق عقد منظور مستقیم و اصلی متعاملین نمی‌باشد، (امامی، ۱۳۷۷ ش، ص ۲۸۳) مثلاً اگر در نکاح شرط شود که اختیار تعیین مسکن با زن باشد، این شرط صحیح است. (ماده ۱۱۱۴ ق.م.) بنابراین استیلا از مواردی است که اطلاق عقد نکاح آن را اقتضا دارد، اما در این که استیلا از حقوق زوج است یا زوجه یا این که استیلا از حقوق مشترک زوجین محسوب می‌شود، نظراتی مطرح شده است. عده‌ای این حق را برای زوج می‌دانند. بنابراین زوجه، حق ممانعت ندارد، ولی چنانچه فرزندآوری برای زوجه ضرری داشته باشد، می‌تواند از بچه‌دار شدن امتناع کند. بهترین دلیل برای اثبات این که استیلا از حق زوج است، این است که مشهور فقها در باب عزل می‌گویند عزل زوج جایز است و قول اقوی بر این است که عزل زوج بدون اذن زوجه دیه ندارد، حتی اگر قائل به حرمت عزل باشیم، (یزدی، ۱۴۲۸ ق، ص ۵۰۶) ولی در رابطه با زوجه معدودی از فقها متعرض موضوع عزل شدند و گفته‌اند که عزل زوجه جایز نیست و دلیل عدم جواز عزل توسط زوجه منافات این کار با تمکین می‌دانند. (یزدی، ۱۴۲۸ ق، ص ۵۰۶) در مقابل برخی از فقها معتقدند استیلا از حقوق زوج می‌باشد و این حق فقط به زن اختصاص دارد و مانند مباشرت از حقوق دوطرفه زوجین نیست. (ر.ک قراء ملک، ۱۳۸۸ ش، ص ۱۳۱) نتیجه این نظریه آن است که مرد نمی‌تواند بدون جلب رضایت و اذن همسرش به انحای مختلف از بارداری

جلوگیری کند، ولی زن چنین حقی را دارد که از بارداری ممانعت کند و شوهر خود را از نعمت فرزند محروم سازد. معنای دیگر این سخن این است که زن می‌تواند در مقام استیفای این حق خود، شوهرش را به فرزندطلبی و عدم ممانعت در برابر فرزندآوری وی ملزم سازد و در مجموع حق تصمیم‌گیری در برابر فرزندداشتن، ویژه زن است. (محقق داماد، ۱۳۸۹ ش، ص ۱۴) شهید ثانی نیز علت تحریم عزل را استیلا دانسته و فرزندآوری را حق زن قرار داده است. (شهید ثانی، ۱۴۱۳ ق، ص ۶۵) در مقابل، برخی استیلا را از حقوق مشترک بین زوج و زوجه دانسته‌اند که زن و شوهر باید در این مورد توافق داشته باشند. بنابراین به نظر می‌رسد اگر ثابت شد که استیلا از مقتضای اطلاق نکاح محسوب می‌شود، باید بگوییم که استیلا از حقوق زوجین بوده، زیرا وقتی استیلا جزء مقتضای اطلاق عقد محسوب می‌گردد، دلیلی ندارد که الزام به انجام شرط فقط به یک طرف محسوب گردد. (ر.ک قراء ملکی، ۱۳۸۸ ش، ص ۱۳۲)

د - جلوگیری از فرزندآوری در آرای فقیهان

جلوگیری از فرزندآوری نتایج و آثار فقهی و اجتماعی به دنبال دارد. قدما با بررسی مسأله عزل که ارتباط مستقیمی با موضوع فوق دارد، متعرض این بحث شده‌اند. عزل در لغت به دو معنای «بازداشتن» و «کنارگذاشتن» آمده است. در مورد آمیزش جنسی، معنای «بازداشتن» اراده شده و آن است که مرد به هنگام انزال منی، آن را در خارج از رحم بریزد. در اصطلاح فقهی، همین معنا اراده شده و تفاوتی با معنای لغوی آن ندارد. (طلعتی، ۱۳۸۳ ش، ص ۱۹۰) فقها بدون اختلاف در بعضی از موارد مانند امه، عقد منقطع و حره دائمی با رضایتش، حکم به جواز عزل داده‌اند. آنچه محل بحث است این است که آیا زوج می‌تواند عمل عزل را در

خصوصاً زوجه آزادی که بدان عمل رضایت ندارد، انجام دهد؟ در این رابطه نظراتی بیان شده که در ذیل به بررسی آن می‌پردازیم.

۱- قائلین به حرمت عزل

برخی از فقیهان امامیه عزل را بدون اجازه زوجه جایز نمی‌دانند. (شیخ مفید، ۱۴۱۰ ق، ص ۵۱۶؛ کیدری، بی‌تا، ص ۴۳۱؛ شیخ طوسی، ۱۳۸۷ ش، ص ۲۶۷؛ شهید اول، ۱۳۸۳ ش، ص ۱۸۴؛ فاضل مقداد، بی‌تا، ص ۲۴) طبق اندیشه حرام‌بودن عزل که نظریه غیر مشهور است، فرزندآوری از آثار نکاح است. آنان عزل را به دلایل ذیل حرام می‌دانند:

۱-۱- **روایات:** از پیامبر (ص) منقول است: زوج نمی‌تواند از زوجه آزاد عزل کند، مگر این‌که از زوجه اجازه داشته باشد.^۹ (ابن حنبل، بی‌تا، ص ۳۱؛ ابن ماجه، ۱۹۲۸ م، ص ۶۳۱؛ علامه حلی، ۱۴۱۳ ق، ص ۷۵) در روایتی دیگر از پیامبر در مورد عزل آمده است: عزل کردن و ریختن نطفه در خارج رحم و هدر دادن نطفه به منزله یک کشتار و قتل خفی است.^{۱۰} (ابن حنبل، بی‌تا، صص ۳۶۱ و ۴۳۴؛ ابن ماجه، ۱۹۲۸ م، ص ۶۴۸؛ نجفی، ۱۳۶۷ ش، ص ۱۱۱)

۱-۲- **اثبات دیه دلیل تحریم:** عزل دیه دارد، بنابراین حرام است. برای اثبات دیه به روایت ظریف بن ناصح از امیرالمؤمنین (ع) تمسک جسته‌اند.^{۱۱} برخی از فقیهان قائل به ثبوت ملازمه بین ثبوت دیه و تحریم می‌باشند. (ابن ادریس، ۱۳۸۶ ش، ص ۴۱۹) این معنی از مسالک هم استفاده می‌گردد. (شهید ثانی، ۱۴۱۳ ق، ص ۴۸۴) بنابراین طبق این نظر، فرزندآوری از آثار نکاح محسوب شده و نیازی به شرط استیلا در نکاح نیست و در صورت استنکاف یکی از طرفین از بچه‌دار شدن طرف دیگر می‌تواند الزام وی را از دادگاه مطالبه کند.

۲- قائلین به جواز عزل

مطابق با این نظریه، باروری جزء آثار نکاح نیست و برای انسان جایز است که به طور کلی از داشتن فرزند خودداری کند. آنان برای مدعای خویش به روایات جواز عزل استناد نموده‌اند: در صحیحه محمد بن مسلم از امام باقر و یا امام صادق علیهما السلام نقل شده که از او درباره عزل پرسیدند، امام (ع) فرمود: «عزل نسبت به کنیز اشکال ندارد، اما نسبت به زن آزاد، من این کار را ناپسند می‌دانم، مگر آنکه به هنگام ازدواج با وی شرط شود.» (حر عاملی، ۱۴۰۹ ق، ص ۱۰۶) روایاتی نیز هست که عزل را به گونه‌ای مطلق روا می‌دانند، یعنی حتی اگر زن رضایت ندهد و در هنگام ازدواج هم، مرد با وی شرط نکند. در صحیحه محمد بن مسلم چنین آمده است: از ابوعبدالله (ع) درباره عزل پرسیدم. امام (ع) فرمود: «آن منی به اختیار مرد است، هر جا که بخواهد می‌تواند آن را صرف کند.»^{۱۲} (محدث نوری، ۱۴۰۸ ق، ص ۱۰۵) در موثقه عبدالرحمان بن ابی‌عبدالله آمده است که از امام صادق (ع) درباره عزل پرسیدم، امام فرمود: «آن به اختیار مرد است.»^{۱۳} (محدث نوری، ۱۴۰۸ ق، ص ۱۰۵) در موثقه محمد بن مسلم از ابوجعفر (ع) آمده است: «عزل اشکال ندارد، اگر شوهر به این کار گرایش بورزد، بی‌میلی زن، تأثیری نخواهد داشت.»^{۱۴} (محدث نوری، ۱۴۰۸ ق، ص ۱۰۵) این روایات دلیل قطعی است که کراهت در صحیحه نخست با روابودن فعل هم‌ساز است. همچنین به قرینه همین روایات، هر روایت دیگری که ظهور در حرمت داشته باشد، بر کراهت حمل خواهد شد. نتیجه آنکه هر دو گروه روایات، یک سخن را می‌رسانند: عزل در صورتی که زن رضایت دهد و یا در آغاز ازدواج با وی شرط شده باشد، رواست. مقتضای این دو گروه از روایات، آن است که عزل جایز است، حتی اگر به محروم‌شدن زن و شوهر از داشتن فرزند بینجامد، زیرا اگر بچه‌آوردن برای آن دو واجب می‌بود، باید برای

روابودن عزل در روایات قیدی آورده می‌شد، مطلق آمدن جواز عزل، دلیل روشنی است بر این که بچه آوردن واجب نیست. (مؤمن، ۱۳۷۵ ش، ص ۶۲) نظر مشهور فقهای امامیه هم این است که عزل در نکاح دائم بدون اذن زوجه جایز و مکروه است. (ابن ادریس، ۱۳۸۶ ش، ص ۶۰۷؛ علامه حلی، ۱۴۱۳ ق، ص ۵۰ و ۲۱۴؛ شیخ انصاری، ۱۴۱۵ ق، ص ۷۲؛ نجفی، ۱۳۶۷ ش، ص ۱۱۲)

بنابراین طبق نظر مشهور فقهای امامیه عزل بدون رضای زوجه مکروه می‌باشد، البته باید توجه داشت که مسأله فرزندآوری مسأله دیگری غیر از عزل است. به دلیل این که داشتن فرزند حق هر دو طرف است، پس بدون اجازه و توافق هر دو، جایز نیست که فرزندآوری را کنار زده و انتخاب عزل کنند، پس عزل دو جهت دارد: یکی لذت و دومی فرزندآوری. در رابطه با فرزندآوری باید توافقی باشد، چراکه فرزندآوری از حقوق مشترک زوجین است.

هـ - عقیم‌سازی از منظر فقه امامیه

پیشرفت‌های علمی در حوزه زیست‌پزشکی، چالش‌های را برای جوامع بشری به ارمغان آورده است که نمی‌توان از تهدیدات حاصل از این فناوری‌های نوین غافل شد. در عصر حاضر دیگر روش‌های قدیمی جلوگیری از بارداری مطرح نیست. امروزه به منظور جلوگیری از داشتن فرزند وسایل پزشکی، داروها و جراحی‌ها، برای پیشگیری از بارداری مصرف می‌شوند. روش‌های نوین ضد باوری که به صورت گسترده مورد استفاده قرار می‌گیرد، سبب ناهنجاری را در قلمرو زیست خانوادگی شده است. از جمله آن‌ها که منجر به عقیمی دائمی می‌شود، بستن لوله است؛ بستن لوله گاهی به صورت موقت و از طریق گذاشتن مانع داخل رحم صورت می‌گیرد و زمانی هم به صورت دائمی و از طریق عمل وازکتومی^{۱۵} و توبکتومی^{۱۶} انجام می‌گیرد. برخی از فقها با استناد به آیات قرآن کریم، به طور

کلی پیشگیری از حاملگی را به شدت نهی کرده‌اند (حسینی طهرانی، ۱۴۱۵ ق، ص ۴۵) و معتقداند: «عقیم کردن افراد با بستن لوله‌هایشان (توبکتومی و وازکتومی) از مصادیق واضح تغییردادن خلقت خداوند می‌باشد و از روشن‌ترین مصادیق اضلال و گمراه نمودن شیطان است (حسینی طهرانی، ۱۴۲۵ ق، ص ۳۱۷) و مصداق آیه ۱۱۹ سوره نساء می‌باشد، چراکه انسان اختیار اجزا و اعضای بدن خود را نداشته و حق از بین بردن یا آسیب رساندن به آن‌ها را ندارد. (حسینی طهرانی، ۱۴۲۵ ق، ص ۴۷) علامه طباطبایی نیز در تفسیر آیه ۱۱۹ سوره نساء می‌نویسد: «اخته کردن نیز از موارد تغییر خلقت خداوند محسوب می‌شود.» (طباطبایی، ۱۴۲۲ ق، ص ۸۶) غالب فقها با وجود پذیرش اصل پیشگیری از حاملگی، عقیم‌سازی را نپذیرفته و حکم به حرمت آن داده‌اند؛ بدین استدلال که عقیم‌سازی گونه‌ای زیان‌رساندن به نفس محسوب می‌شود و زیان به نفس نیز از نظر شرعی حرام است، (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۸۵ ش، ص ۹۱) اما به عقیده دیگران اضرار به نفس در جایی که انگیزه عقلایی وجود داشته باشد، حرام نیست؛ مخصوصاً اگر نازاسازی پس از زادن چند فرزند باشد که نیازشان از این جهت مرتفع شده و اقدام به نازاسازی دائم مصداق اضرار به نفس نخواهد بود. (طلعتی، ۱۳۸۳ ش، ص ۲۴۷) در مواردی که به تشخیص اهل خبره، کنترل جمعیت ضرورت داشته باشد، برای جلوگیری از انعقاد نطفه هر وسیله مشروعی که بی‌ضرر باشد و باعث نقص مرد یا زن نشود، (مثل این که مرد یا زن برای همیشه از قابلیت تولید مثل ساقط شوند) ذاتاً مجاز است، اگر زمانی فرا رسد که فزونی موالید در ناحیه اقتصادی مایه فقر شده و منابع موجود جوابگوی نیازهای اقتصادی نبود و یا مایه فزونی جهل شد و یا باعث افزایش بیماران شد، به طوری که امکانات درمانی جوابگوی نیاز نبود، در چنین شرایطی کسی از دیاد نسل را اجازه نمی‌دهد و می‌گوییم باید کثرت کمی را به کثرت کیفی

تبدیل کنیم، چراکه زمانی کثرت کمی باعث پیشرفت می‌شد، ولی امروز کثرت کیفی باعث پیشرفت است. (مکارم شیرازی، ۱۴۲۴ ق، ص ۶۲)

در نظر آیت‌ا... خوبی برای زن جایز است از وسایلی که جلوگیری از بارداری می‌نمایند، استفاده کند به شرط آنکه ضرر زیادی در استفاده از آنها وجود نداشته باشد، هرچند شوهر به این کار راضی نباشد. (خویی، ۱۳۵۳ ق، ص ۲۸۴) در مقابل برخی از فقهای معاصر چون آیت‌ا... تبریزی، آیت‌ا... مکارم شیرازی، آیت‌ا... صافی در پاسخ به این سؤال که آیا زن بدون رضایت همسر می‌تواند اقدام به بستن لوله رحم، استفاده از داروها و روش‌های ضد بارداری و تنظیم فواصل بارداری کند؟ بر این باورند که زن بدون رضایت شوهر چنین حقی را ندارد. (بی‌نا، ۱۳۷۹ ش، ص ۲)

و - احکام و لوازم عدم فرزندآوری

امتناع زوجین از داشتن فرزند، نتایج و آثار حقوقی را به دنبال خواهد داشت، چراکه یکی از مهم‌ترین اهداف تشکیل خانواده، توالد و تناسل می‌باشد. (کاتوزیان، ۱۳۷۱ ش، ص ۴۰۴) از همین منظر برخی را عقیده بر این است که اگر کسی نخواهد اصلاً بچه‌دار شود، باید این امر را در ضمن عقد نکاح شرط کند یا پس از ازدواج همسر خود را به آن راضی نماید وگرنه نمی‌تواند از تولد فرزند جلوگیری کند و حق همسر خویش را نادیده بگیرد. (خلجی، ۱۳۷۸ ش، صص ۲۳، ۱۳۰-۱۰۱) در صورتی که زوج از داشتن فرزند جلوگیری نماید، با توجه به این‌که قانونگذار مواردی را برای زنان پیش‌بینی کرده که در صورت تحقق شرایط، می‌توانند از دادگاه درخواست طلاق نمایند که از جمله این موارد فرض «عسر و حرج» در روابط زناشویی است که طی آن زندگی مشترک به لحاظ موقعیت شخصی، روانی، اوضاع و احوال زمانی و مکانی برای زوجه غیر قابل تحمل می‌شود، به بیان دیگر، ملاک

عسر و حرج هم شخصی است هم نوعی، شخصی بودن آن به مناسبت تنگ شدن عرصه بر فرد است که به مناسبت تحمل، بنیه و طاقت او و آستانه وقوع اختلاف فرق می‌کند و از آن نظر نوعی است که عموماً از طریق دادگاه و به یاری کارشناس و اهل خبره قابل تشخیص و سنجش است. در صورت تحقق عسر و حرج، حکم ثانوی «عسر و حرج» بر حکم اولیه «الطلاق بید من أخذ بالساق» حاکم می‌شود و زوجه می‌تواند از دادگاه درخواست طلاق نماید. (حاجی‌پور، ۱۳۸۳ ش، ص ۲) تبصره ماده ۱۱۳۰ قانون مدنی وضعیتی که ادامه زندگی را برای زوجه مشقت‌آمیز و تحمل آن را مشکل سازد، عسر و حرج نامیده و مصادیقی را برای آن ذکر نموده است. ماده ۱۱۳۰ قانون مدنی به زوجه اجازه داده است در مواردی که ادامه زندگی زناشویی، وی را در وضعیت عسر و حرج قرار دهد، با مراجعه به حاکم و اثبات حالت عسر و حرج، درخواست طلاق نماید. عام بودن این ماده برای زن این امکان را قرار داده که بدون توجه به مبنای ایجاد عسر و حرج، با اثبات علت موجب سختی و تنگی، خود را از علقه زوجیت رها سازد. این ماده بدون تقیید به شرط یا حالت خاص، معیار عسر و حرج را به عنوان مفربی برای رهایی زن از علقه زوجیت قرار داده است و ملاک تشخیص این‌که چه امری سوء معاشرت است و تشخیص درجه‌ای که زن نمی‌تواند زندگانی زناشویی را ادامه دهد، به نظر عرف می‌باشد که در هر مورد با در نظر گرفتن وضعیت روحی، اخلاقی و اجتماعی زوجین و همچنین وضعیت محیط از حیث زمان و مکان آن را تعیین می‌نماید. (امامی، ۱۳۶۸ ش، ص ۳۷) با توجه به این‌که هر دختری به امید مادر شدن و تربیت فرزندان صالح ازدواج نموده و به خانه شوهر می‌رود، لذا حسرت مداوم ناشی از مادر نشدن، غم و درد جانکاهی را در او ایجاد می‌نماید، چراکه میل به داشتن فرزند میلی‌گریزی است. به همین جهت خیلی کم اتفاق می‌افتد که زنی

با وجودی که علم به عقیم‌بودن خواستگارش دارد، به او پاسخ مثبت دهد، لذا اگر عقیم‌بودن مرد، زندگی را توأم با عسر و حرج نماید، زن می‌تواند درخواست طلاق دهد، البته عقیم‌بودن به خودی خود نمی‌تواند بهانه جدانشدن از همسر باشد، چه بسا زنانی که شوهرانشان عقیم هستند، ولی خود آن‌ها نیز دارای کهولت سن و یا بیماری هستند و نمی‌توانند صاحب فرزند شوند. در چنین مواقعی عقیم‌بودن نمی‌تواند موجبی برای طلاق به شمار آید. (کاتوزیان، ۱۳۷۱ ش، ص ۴۰۴) برخی نیز خودداری مرد از بچه‌دارشدن و بی‌اعتنایی به شوق مادری زن را نوعی سوء رفتار قلمداد می‌کنند که با حسن معاشرت مرد منافات دارد. شوهری که به بهانه‌های نامشروع و یا به قصد آزار همسر خود از بچه‌دارشدن امتناع می‌ورزد، مرتکب سوء معاشرت شده و اگر الزام شوهر به باردارکردن زن مؤثر نباشد و ادامه زندگی با مشقتی تحمل‌ناپذیر همراه شود، در این صورت باید گفت حال که امساک به معروف امکان ندارد، چاره‌ای جز آزادکردن زن به احسان باقی نمی‌ماند. (کاتوزیان، ۱۳۷۱ ش، ص ۴۰۴)

نتیجه‌گیری

۱- در قرآن و سیره ائمه (ع) سفارش به داشتن فرزند و تکثیر اولاد شده است و گسترش نسل، همواره به عنوان یکی از اهداف مقدس زندگی به شمار رفته که علاوه بر تداوم نسل بشر، تأثیر شگرفی بر بقای کانون خانواده گذارده است و امنیت و آرامش روانی را در محیط خانوادگی پدید می‌آورد. فرزندآوری از اهداف مهم تشکیل خانواده محسوب می‌شود، به نحوی که باید به همسر، به عنوان تربیت‌کننده فرزندان صالح نگرست.

۲- مشهور فقیهان بر این باورند که فرزندآوری، از مواردی است که اطلاق عقد نکاح آن را اقتضا دارد. در نتیجه اشتراط عدم فرزندآوری در ضمن عقد نکاح یا تبانی عقد براساس آن باطل و مبطل نمی‌باشد. فرزندآوری از حقوق مشترک بین زوج و زوجه می‌باشد که زن و شوهر باید در این مورد توافق داشته باشند.

۳- امروزه برای جلوگیری از داشتن فرزند روش‌های مختلفی مورد استفاده قرار می‌گیرد که برخی از این روش‌ها باعث عقیم‌شدن دائمی فرد می‌گردد این روش گونه‌ای زیان‌رساندن به نفس محسوب می‌شود و زیان به نفس نیز از نظر شرعی حرام است و تعارض با آموزه‌های اسلامی و خلقت بشری دارد و تولید مثل را در معرض خطر قرار می‌دهد.

۴- نبودن فرزند، می‌تواند حرج و مشقت بسیاری را برای زوجه به دنبال داشته باشد، چراکه میل به داشتن فرزند میلی غریزی است. از این رو از آنجا که طبق قاعده نفی عسر و حرج در اسلام، حکم حرجی برای مسلمانان پذیرفتنی نیست، بنابراین زوجه می‌تواند زوج را الزام به فرزندآوری نماید و در صورت عدم همکاری او از حاکم درخواست طلاق نماید.

پی‌نوشت‌ها

۱. هُنَالِكَ دَعَا زَكَرِيَّا رَبَّهُ قَالَ رَبِّ هَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ ذُرِّيَّةً طَيِّبَةً إِنَّكَ سَمِيعُ الدُّعَاءِ
۲. شوری: ۱۱؛ نحل: ۷۲.
۳. نِسَاؤُكُمْ حَرْثٌ لَكُمْ فَأَتُوا حَرْثَكُمْ أَنَّى شِئْتُمْ.
۴. به حکم آیه شریفه: «و اذا تولي سعي في الارض ليفسد فيها و يهلك الحرث و النسل و الله لا يحب الفساد...» چون برگردد [یا ریاستی یابد] کوشش می‌کند که در زمین فساد نماید و کشت و نسل را نابود سازد و خداوند تباہکاری را دوست ندارد.» (بقره: ۲۰۵)
۵. ذاریات: ۲۳-۲۲؛ هود: ۶.
۶. «وَلَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ خَشْيَةَ إِمْلَاقٍ نَحْنُ نَرْزُقُهُمْ وَإِيَّاكُمْ إِنَّ قَتْلَهُمْ كَانَ خِطْئًا كَبِيرًا» با همین مضمون آیات دیگری نیز در سوره‌های مختلف قرآن دیده می‌شود که نشانگر نهی مسلمانان از قتل اولاد خود است.
۷. تناکحوا و تناسلوا تکثروا، فانی اباهی بکم الامم یوم القیامه ولو بالسقط.
۸. ر.ک: حسینی مراغه‌ای، ۱۴۱۷ ق، ص ۲۴۸.
۹. انه نهی عن العزل عن الحرة الا باذنها.
۱۰. انه الوأد الخفی.
۱۱. افقی علیه السلام فی مئی الرجل یفزع عن عرسه فیعزل عنها الماء و لم یرد ذلك نصف خمس المائه عشره دنانیر.
۱۲. ذاک الی الرجل یصرفه حیث شاء.
۱۳. ذلك الی الرجل.
۱۴. لا باس بالعزل عن المراه الحرة ان احب صاحبها، و ان کرهت شی لا من الامر شی.
۱۵. بستن لوله‌ها در مرد.
۱۶. بستن لوله‌های رحم زن.

فهرست منابع

منابع فارسی:

- ابن ادريس حلی، ابی جعفر محمد بن منصور بن احمد. (۱۳۸۶ ش.). السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی. قم: دفتر انتشارات اسلامی، جلد دوم، چاپ پنجم.
- ابن حنبل، احمد بن محمد. (بی‌تا). مسند/احمد. بیروت: عالم الکتب، جلد اول.

ابن ماجه، محمد بن یزید. (۱۹۲۸ م.). سنن ابن ماجه. بيروت: انتشارات دارالفکر، جلد اول.

امامی، سیدحسن. (۱۳۶۸ ش.). حقوق مدنی. بی‌جا: کتاب‌فروشی اسلامیة، چاپ چهارم.

امامی، سیدحسن. (۱۳۷۷ ش.). حقوق مدنی. تهران: کتاب‌فروشی اسلامیة، شش جلدی، جلد اول، چاپ نوزدهم.

انصاری، شیخ مرتضی. (۱۴۱۵ ق.). کتاب النکاح. مصحح لجنة التحقیق، قم: انتشارات باقری، چاپ اول.

ایازی، سیدمحمدعلی. (۱۳۷۶ ش.). اسلام و تنظیم خانواده. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ اول.

بی‌نا. (۱۳۷۹ ش.). محو کلیه اشکال تبعیض علیه زنان از منظر فقیهان. نشریه مبلغان. شماره دهم. ارائه الکترونیکی در: سایت پایگاه اطلاع‌رسانی حوزه (<http://www.hawzah.net>).

بیهقی نیشابوری کیدری، محمد بن حسین. (بی‌تا). اصباح الشیعه مصباح الشریعه. محقق شیخ ابراهیم بهادری، قم: انتشارات مؤسسه امام صادق (ع).

پاینده، ابوالقاسم. (بی‌تا). مجموعه کلمات قصار حضرت رسول (ص). نهج الفصاحه. تهران: انتشارات جاویدان، چاپ یازدهم.

جبعی عاملی، زین‌الدین (شهید ثانی). (۱۴۱۳ ش.). مسالک الافهام الی تنقیح شرائع الاسلام. قم: انتشارات مؤسسه المعارف الاسلامیه، جلد هفتم و پانزدهم.

جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۸۶ ش.). تفسیر تسنیم. قم: انتشارات اسراء، جلد یازدهم.

حاجی‌پور، مرتضی. (۱۳۸۳ ش.). اختیار زوجه و ابهام در مفهوم عسر و حرج. پژوهش زنان. دوره دوم، شماره دوم.

حر عاملی، محمد بن حسن. (۱۴۰۹ ق.). وسائل الشیعه. قم: مؤسسه آل‌البیت الإحیای التراث، جلد پانزدهم و بیستم و بیستویکم.

حر عاملی، حسن. (۱۴۱۲ ق.). هدایة الامة الی احکام الائمة. محقق قسم الحدیث فی مجمع البحوث الاسلامیه، مشهد: مجمع البحوث الاسلامیه، چاپ اول.

حسینی خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۸۰ ش.). *اجوبه الاستفتائات*. تهران: انتشارات الهدی.

حسینی طهرانی، سیدمحمدحسین. (۱۴۲۵ ق.). *رساله نکاحیه، کاهش جمعیت، ضربه‌ای سنگین بر پیکر مسلمین*. مشهد: انتشارات مؤسسه ترجمه و نشر علوم و معارف اسلامی، چاپ دوم.

حسینی مراغی، میرعبدالفتاح. (۱۴۱۷ ق.). *عناوین الفقهیه*. قم: مؤسسه النشر الاسلامی.

حلی، جمال‌الدین مقداد بن عبدالله (فاضل مقداد). (بی‌تا). *تنقیح رائع لمختصر الشرائع*. قم: کتابخانه آیتا... مرعشی نجفی، جلد سوم.

حلی، حسن بن یوسف (علامه حلی). (۱۴۱۳ ق.). *مختلف الشیعه فی احکام الشریعه*. محقق لجنه التحقیق فی مؤسسه النشر الاسلامی، قم: مؤسسه النشر الاسلامی. جلد سوم و شانزدهم.

خامنه‌ای، سیدعلی‌اکبر. (بی‌تا). *استفتائات*. ارائه الکترونیکی در: سایت دانشگاه علوم پزشکی و خدمات درمانی زابل (<http://www.zbmu.ac.ir>).

خلجی، حسن‌رضا. (۱۳۷۸-۱۳۷۹ ش.). *نگرشی فقهی بر روش‌های تنظیم خانواده*. پژوهشنامه متین. شماره پنجم و ششم.

خویی، سیدابوالقاسم. (۱۳۵۳ ق.). *منهاج الصالحین*. تهران: انتشارات لطفی، جلد دوم.

طباطبایی یزدی، سیدمحمدکاظم. (۱۴۲۸ ق.). *عروه الوثقی*. قم: مؤسسه النشر الاسلامی، جلد پنجم، چاپ سوم.

طباطبایی، سیدمحمدحسین. (۱۴۲۲ ق.). *تفسیر المیزان*. بیروت: انتشارات مؤسسه الاعمی للمطبوعات، جلد پنجم، چاپ دوم.

طلعتی، محمدهادی. (۱۳۸۳ ش.). *رشد جمعیت، تنظیم خانواده و سقط جنین (آرا و مبانی فقهی - حقوقی)*. قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم (بوستان کتاب)، چاپ اول.

طوسی، ابی‌جعفر محمد بن الحسن. (۱۳۸۷ ق.). *المبسوط فی فقه الامامیه*. مصحح محمدتقی کشفی، تهران: مکتبه المرتضویه الاحیای الآثار الجعفریه، جلد چهارم، چاپ سوم.

- عاملی کرکی، علی بن حسین. (۱۴۱۴ ق.). *جامع المقاصد فی شرح القواعد*. قم: مؤسسه آل البيت عليه السلام.
- عکبری بغدادی، ابی عبدالله محمد بن محمد بن نعمان (شیخ مفید). (۱۴۱۰ ق.). *مقنعه*. قم: مؤسسه النشر الاسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ دوم.
- علی بن حسین، امام زین العابدین. (۱۳۹۱ ش.). *صحیفه سجادیه*. تهران: انتشارات سازمان تبلیغات اسلامی، چاپ دوم.
- غزالی، محمد بن محمد. (۱۹۸۶ م.). *احیای علوم/الدين*. بیروت: دارالمعرفة للطباعة و النشر، جلد دوم.
- قراء ملکی، علی مظهر، مرتاضی، احمد، امیرپور، حیدر. (۱۳۸۸ ش.). *مشروعیت الزام به فرزندآوری در فقه امامیه. دو فصلنامه فقه و مبانی حقوق اسلامی*. شماره اول.
- کاتوزیان، ناصر. (۱۳۷۱ ش.). *حقوق خانواده*. تهران: شرکت سهامی انتشار، جلد اول، چاپ سوم.
- گلبایگانی، سیدمحمد رضا. (۱۴۰۳ ق.). *مجمع المسائل*. قم: چاپخانه عالمیه، جلد دوم.
- مجلسی، محمدباقر. (بی تا). *بحار الانوار*. بی جا: الجامعه لدرر اخبار الائمه علیهم السلام.
- محدث نوری، حسین. (۱۴۰۸ ق.). *مستدرک الوسائل*. قم: مؤسسه آل البيت الإحيای التراث العربی. جلد چهاردهم، چاپ اول.
- محقق داماد، سیدمصطفی. (۱۳۸۹ ش.). *شرط فرزندآوری یا عدم فرزندآوری. فصلنامه فقه پزشکی*. شماره دوم.
- مکارم شیرازی، ناصر. (۱۴۲۴ ق.). *کتاب النکاح*. قم: انتشارات مدرسه امام علی (ع)، جلد پنجم، چاپ اول.
- مکارم شیرازی، ناصر. (۱۴۲۹ ق.). *احکام پزشکی*. قم: انتشارات مدرسه امام علی (ع)، چاپ اول.
- مکی عاملی، محمد بن جمال الدین (شهید اول). (۱۳۸۳ ش.). *اللمعه دمشقیه فی فقه الامامیه*. قم: انتشارات دارالفکر، چاپ هفدهم.
- مؤمن، محمد. (۱۳۷۵ ش.). *سخنی درباره تنظیم خانواده. مجله فقه اهل بیت*. شماره هشتم.

نائینی، محمدحسین. (۱۴۱۹ ق.). *اجودالتقریرات*. قم: مؤسسه صاحب الامر (عج).

نجفی، شیخ محمدحسن. (۱۳۶۷ ش.). *جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام*. تهران: المکتبه الاسلامیه، جلد بیست و نهم، چاپ سوم.

نراقی، احمد. (۱۴۱۷ ق.). *عوائدالایام فی بیان قواعد الاحکام*. قم: دفتر تبلیغات اسلامی.

نظری توکلی، سعید. (۱۳۸۶ ش.). *درآمدی بر مبانی حقوقی درمان ناباروری*. فصلنامه مطالعات اسلامی. مشهد: دانشگاه فردوسی مشهد، شماره هفتاد و پنجم.

نوری طبرسی، حسین (محدث نوری). (۱۴۰۸ ق.). *مستدرک الوسایل*. قم: مؤسسه آل‌البیت، جلد چهاردهم.

یادداشت شناسه مؤلفان

سیدابوالقاسم نقیبی: دانشیار دانشگاه شهید مطهری، تهران، ایران. (نویسنده مسؤول)

پست الکترونیک: Email: naghibi_sa@yahoo.com

سیدمحمدعلی صدر طباطبایی: دانشجوی دوره کارشناسی ارشد فقه و حقوق خصوصی دانشگاه شهید مطهری، تهران، ایران.

Reproductive status in Islamic law and ethics*Seyyed Abolghasem Naghibi**Seyyed Mohammad Ali Sadr Tabatabai***Abstract**

Marriage, of important social etiquette in human civilization that stability and continuity of the human species will be realized through it. Hence the moral teachings of Islamic law and reproduction of the purposes of marriage to come. But whether or not marriage is reproduction requirements, proposed two ideas that seem to refer to marriage, reproduction is demanded. But today, modern methods of childbearing anti belief that it is necessary, widely spread and causes changes in people's lifestyle. The lifestyle of the Prophet and the Imams (AS) suitable for permanent marriage and family formation reproductive pattern is considered to the Muslim community, following the example of the practical life of innocent citizens of their responsibility to engage survival of the species and A family full of freshness, vitality and dynamism to realize and increase production and raising children, competent to finance their worldly life and the Hereafter funded the provision of their reproductive life.

Keywords

Birth, Reproduction, Religious Purposes, Reproductive Requirements of Applicable Contract, Islamic Ethics